

تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه: مطالعه موردی اندیشه‌ی امام خمینی(ره)

منصور میر احمدی^۱

محمد کمالی گوکی^۲

چکیده

یکی از اساسی‌ترین موضوعات در مباحث انسان‌شناسی، مسأله کرامت انسان و ملاک کرامت‌مندی اوست. مقاله حاضر این موضوع را در اندیشه سیاسی شیعه و با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله به پرسش‌هایی از قبیل: ملاک‌ها و معیارهای کرامت انسان چیست؟ آیا صرف انسان بودن برای کرامت‌مندی انسان کافی است؟ شرایط و قابلیت‌هایی که موجب کسب کرامت می‌شود کدام است؟ و... پرداخته می‌شود. از دیدگاه حاکم بر این نوشتار در اندیشه سیاسی شیعه و به‌طور خاص امام خمینی(ره)، با توجه به نظریه دو فطرت، کرامت به‌طور بالقوه در همه‌ی انسان‌ها مشترک است. انسان به‌دلیل برخورداری از مقام خلافت الهی انسان، برخوردار از کرامت ذاتی است اما ارتکاب اعمال مغایر با این کرامت، موجبات از دست رفتن این کرامت را فراهم می‌آورد، چنان‌چه اگر لوازم خلیفه بودن را فراهم کند از کرامت برخوردار است. این دیدگاه که از آن به نظریه اقتضائی کرامت می‌توان یاد کرد، از چنان‌توان نظری برخوردار است که می‌تواند ارتباط دو گونه کرامت ذاتی و اکتسابی را در اندیشه سیاسی شیعه با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) فراهم سازد.

کلید واژه‌ها: انسان‌شناسی، کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، فطرت.

Email: m_mirahmadi@sbu.ac.ir

Email: mkamali77@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۷

۱- دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

۲- کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۳

مقدمه

اندیشه‌ی هر متفکری در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، و ... مبتنی بر تفسیر و برداشت وی از انسان است؛ به عبارت دیگر، مهم‌ترین علت اختلاف نظریه‌های سیاسی - اجتماعی موجود به نحوه‌ی نگرش آن‌ها به نهاد آدمی و جایگاه او در هستی برمی‌گردد. اساساً هر اندیشمندی که ادعای عرضه‌ی عالی‌ترین بینش فکری، منش و روش زندگی و تعیین تکلیف سیاسی را دارد، ضرورتاً باید انسان را معنا کند و به سؤالاتی که درباره‌ی ابعاد وجودی او مطرح است پاسخ گوید. به نظر می‌رسد در بسیاری از مباحث در اندیشه سیاسی، شناخت انسان مهم‌ترین و مبنایی‌ترین بحث آنها باشد و تا مسأله انسان روشن نشود هیچ‌یک از مسائل دیگری که مربوط به انسان است به نتیجه نخواهد رسید. دین اسلام و به تبعه آن فقه شیعه و اندیشه امام خمینی(ره) برای انسان ارزش و جایگاه مهم و بلندی ترسیم نموده و هدف غایی خود را هدایت انسان و سعادت بشر معرفی کرده است. کرامت انسانی یکی از مباحث کلیدی در اندیشه سیاسی و مبحث انسان‌شناسی است که بسیاری از متفکران به آن توجه ویژه داشته‌اند. انسان‌ها برای زندگی مطلوب در جامعه باید از کرامت برخوردار باشند انسانی که کرامت نداشته باشد از بسیاری حقوق انسانی سلب می‌شود؛ در این تحقیق ما سعی داریم این مفهوم را در اندیشه امام خمینی(ره) واکاوی کنیم براین اساس در ابتدا واژه «کرامت» را ریشه‌یابی می‌کنیم، سپس ماهیت حق کرامت را برای انسان توضیح می‌دهیم، سپس به‌طور خلاصه مبانی که باعث می‌شود انسان از کرامت برخوردار شود را بیان می‌کنیم، بعد انواع کرامت را بیان می‌کنیم در نگاه به انواع کرامت مبنی بر اصل یا فرع بودن هر یک از انواع کرامت انسانی، دیدگاه‌ها و یا نظریه‌هایی مطرح می‌شود که ما پس از شرح این نظریه‌ها بیان می‌کنیم که اندیشمندان شیعه به‌خصوص نگاه امام خمینی(ره) در قالب کدام یک از این نظریه‌ها قرار می‌گیرد آن‌گاه دیدگاه امام خمینی(ره) را به‌طور مبسوط شرح می‌دهیم و در پایان جمع‌بندی از کل مباحث بیان می‌کنیم.

پیشینه تحقیق

درباره کرامت انسانی آثار متعددی در حوزه‌های مختلف فلسفی، حقوقی و ... به زبان فارسی نگارش یافته که آن‌ها را از حیث رویکرد اندیشه سیاسی به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: دسته‌ای با بحث نظری به مقایسه مسأله کرامت انسانی در اسلام و سایر ادیان و یا اندیسمند اسلامی و غربی پرداخته‌اند. مانند مقاله «کرامت انسانی در اسلام و ادیان دیگر آسمانی» از سیدمحمد طباطبایی که سعی دارد این مطلب را اثبات کند که مسأله کرامت در تمام ادیان به یک شکل است و تفاوت‌هایی که اکنون بیان شده است نه در ادیان راستین که در تفکرات به انحراف رفته غربی است. همچنین مقاله «مقایسه کرامت انسان در اسلام و اعلامیه حقوق بشر» از علی الله بداشتی که سعی دارد مبانی و منابع تفاوت بحث کرامت انسانی در اندیشه اسلام و اندیشه حقوق بشر غربی را نشان دهد. مقاله «کرامت انسانی از دیدگاه امام خمینی و ایمانوئل کانت» از محمد محمدرضایی که سعی دارد تا ارزش و کرامت انسان را از دیدگاه امام خمینی(ره) که یکی از متفکران بزرگ اسلامی است و ایمانوئل کانت یکی از

بزرگ‌ترین فیلسوفان و اندیشمندان جهان غرب، مورد مقایسه قرار دهد. و عمده تفاوتی که می‌بیند این است که کانت به ساحت مادی انسان بیشتر توجه دارد، در صورتی که امام خمینی(ره) علاوه بر ساحت مادی، به ساحت باطنی ملکوتی انسان نیز نظر دارد. و همچنین کتاب «کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا و کانت» که سیما محمدپور مبانی معرفت‌شناختی و وجودشناختی را بررسی کرده است.

دسته‌ای دیگر که حجم زیادی از مباحث مربوط به کرامت انسانی را شامل می‌شود. مبنای کرامت انسانی را از جنبه‌های مختلف واکاوی کرده‌اند مانند کتاب «اصول و مبانی کرامت انسانی» که مؤسسه چاپ و نشر عروج چاپ کرده است. این کتاب از همایشی بین‌المللی با عنوان «همایش امام خمینی(ره) و کرامت انسان» از سلسله همایش‌های «امام خمینی و قلمرو دین» که در سال ۱۳۸۶ در تهران برگزار شد، می‌باشد. مجموعه‌ای حاضر حاوی برخی مقالات عرضه شده به این همایش است. برخی مقالات عبارت‌اند از: «تحلیل مفهومی کرامت در قرآن/ فاطمه طباطبایی»، «ضرورت رعایت اصل کرامت در نگاه به آموزه‌های معیشتی دین/ محمدکاظم شاکر»، «معیار کرامت انسان در قرآن و روایات/ حجت‌الاسلام والمسلمین احمد صادقیان»، «کرامت انسان در نهج‌البلاغه/ حجت‌الاسلام والمسلمین سید شهاب‌الدین حسینی»، «کرامت انسان در افق قرآن/ علی غفارزاده» و «کرامه الانسان و حق المواطنة/ فضل شروور». علاوه بر این همایش مقالات دیگر که مفهوم کرامت انسانی را ریشه‌یابی کرده‌اند عبارتند از: «کرامت انسانی در اسناد حقوقی اسلام» از ابراهیم باقری، «نقش کرامت انسان در حکومت دینی» و «کرامت انسان در فلسفه سیاسی غرب» از سیدمهدی موسوی.

اما دسته سوم، که به موضوع این تحقیق نزدیک‌ترند مفهوم کرامت انسانی را در اندیشه امام خمینی(ره) بررسی کرده‌اند. مثل مقاله «سعادت و کرامت انسانی از دیدگاه امام خمینی(ره)» نوشته وحیده اکرمی که سعی دارد تأثیر و تأثر سعادت و کرامت را در دیدگاه امام بررسی کند و به این نتیجه می‌رسد که لازمه سعادت انسان داشتن کرامت است. انسانی که به دنبال سعادت‌مندی خود باشد با دانستن رابطه‌ی این دو، رسیدن به کرامت را نیز مقصود و هدف خود می‌سازد. مقاله دیگر «کرامت عرفانی انسان در اندیشه ملاصدرا و امام خمینی(ره)» از قدرت‌الله قربانی است که با نگرشی فلسفی اندیشه ملاصدرا و امام را در راستای یکدیگر می‌داند و بحث کرامت انسان کامل را بررسی می‌کند. همچنین مقاله «ملاک و معیار کرامت انسان از دیدگاه امام(ره)» از سید محمدرضا شریعتمدار که سعی دارد انسان‌هایی را که از دیدگاه امام دارای کرامت انسانی هستند را مشخص کند. اما این تحقیق با رویکرد توصیفی و تحلیلی سعی دارد سه نظریه مطرح در زمینه کرامت انسانی را توصیف کند و سپس بر اساس آن‌ها نظر امام را در قالب یکی از این نظریات تحلیل کند. با این شیوه اولاً دیدگاه امام در مورد کرامت و جایگاه انسان مشخص می‌شود. ثانیاً تفاوت آن با سایر نظریات موجود در این زمینه آشکار می‌شود و ثالثاً به بسیاری از سوالات و ابهامات در مورد حقوق انسانی که از سوی دیدگاه غربی به چالش کشیده می‌شوند پاسخ منطقی و مستدل داده می‌شوند.

مفهوم کرامت انسانی

۱. تعریف لغوی کرامت انسانی

کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است مهم‌ترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک‌بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (دهخدا، ۱۳۷۳)، معادل انگلیسی واژه‌ی کرامت انسانی "Human dignity" است که به معنای شرف، افتخار، احترام، رتبه و مقام و امتیاز می‌باشد (Henry Campbell, 1991:456).

در دایره‌المعارف انگلیسی آکسفورد در مورد معنای واژه‌ی کرامت^۱ چنین آمده است: «واژه کرامت از عبارت لاتینی آگرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام است» (The Oxford Encyclopedic, 1996:398).

اگر معانی لغوی کرامت انسانی را به دقت مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم، کرامت بیانگر دو نوع ویژگی و خصوصیت کاملاً متمایز از یکدیگر در انسان است. برخی از این ویژگی‌ها رتبه، درجه و موقعیت اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کند؛ مثل کرامت شاه و شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت (کرامت اکتسابی یا ارزشی) قابل اکتساب و سلب است و ممکن است کاهش یا افزایش پیدا کند. اما برخی از این ویژگی‌ها مثل انسانیت، ذاتی انسان است و نه قابل سلب از انسان است و نه قابل وضع، این نوع کرامت که اصطلاحاً کرامت ذاتی گفته می‌شود، هیچ رتبه و درجه‌ای را بر نمی‌تابد. که این مبحث را در جای دیگر مشروح تر بیان می‌کنیم.

۲. تعریف اصطلاحی کرامت انسانی

کرامت انسانی علی‌رغم اهمیت بسیار والایی که در ترسیم حقوق بشر دارد، تاکنون در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، تعریف نشده است. با وجود این، فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند، کرامت انسانی را تعریف و معنا نمایند. که ما دو مورد از این تعریف‌های اصطلاحی را بیان می‌کنیم. محمد تقی جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی می‌گوید:

در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارت‌اند از: ۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه‌ی انسان‌ها مادامیکه با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲. کرامت ارزشی که از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای ثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است (جعفری الف، ۱۳۷۰: ۲۹۷)

1. dignity
2. Dignitas

تعریف دیگر از کرامت انسانی، مربوط به امانوئل کانت، فیلسوف معروف آلمانی است. که بر تفکر بعد از خود از جمله بر لیبرالیسم حاکم بر اروپا تأثیر بسزایی گذاشته است، کانت با طرح نظریه‌ی «خودمختاری اخلاقی»^۱ و استقلال ذاتی انسان می‌گوید: کرامت انسانی، حیثیت و ارزشی است که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی و توانایی عقلانی و اخلاقی که دارند، به‌طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند. این کرامت از نظر کانت به‌طور اجتناب‌ناپذیر با «عقلانیت خودآگاه انسان»^۲ ارتباط دارد. درحالی‌که مرتبط دانستن کرامت ذاتی انسان با عقلانیت خودآگاه تنها، موجب می‌شود که تعریف و یا از جامعیت لازم برخوردار نباشد (محمدرضایی، ۱۳۸۹: ۵).

ماهیت حق کرامت و تعریف آن

هرچند در متون حقوقی اسلام و نیز متون حقوقی بین‌المللی تعریفی از حق کرامت ارائه نشده لیکن در بیان تعریف و ماهیت آن می‌توان گفت: کرامت عبارت است از حق رعایت عزت نفس آدمی؛ به تعبیر دقیق‌تر: کرامت حقی است بنیادین، مطلق و آمیخته با تکلیف که موضوع آن نفس و ذات آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد. از آن حیث که با سلب کرامت، وجود، حیات و هستی آدمی نیز لغو و بی‌معنا خواهد بود نمی‌توان آن را از خود سلب و اسقاط کرد و به‌دیگری انتقال داد و با آن معامله و دادوستد کرد و نه کسی را یارای آن است که این حق را توقیف نموده و یا مورد تعدی و تجاوز قرار دهد. به عبارت دیگر، حق کرامت از مصادیق حقوق شخصیت محسوب می‌گردد که از ویژگی‌های مهم آن این است که همواره ملازم و همراه صاحب حق بوده و قابل انفکاک نمی‌باشد و نمی‌توان آن را اسقاط نمود و یا انتقال داد و حتی پس از مرگ نیز به ورثه منتقل نمی‌گردد و مشمول مرور زمان نیز واقع نمی‌شود. به تعبیر دیگر می‌توان گفت: در زمره افراد و مصادیق مربوط به حقوق انسان به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر حقی است آمیخته با تکلیف، همچنان که مشهور است که حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند. بنابراین هرگاه سخن از حق به میان آید، پای تکلیف نیز پیش می‌آید و چون به تصریح قرآن کریم، مبدأ و منشأ حق، خداوند متعال است؛ انسان در برابر آفریدگار خویش به‌عنوان معطی حق، (الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ) تکالیفی را بر دوش خواهد داشت، هرچند نگاهی موشکافانه و هدفمند به این تکالیف نیز این حقیقت را مبرهن می‌سازد که بازگشت تمامی تکالیف نیز به حقوق می‌باشد. زیرا وجود تکالیف شرعی با هدف جهت‌دهی در مسیر حقوق طبیعی بوده و جز حق محض از تکالیف شرعی برداشت نمی‌شود. به‌همین خاطر برخی گفته‌اند: حق کرامت مانند دیگر اصول حقوق اساسی به معنای حکم است، نه حق به معنای معمول در علم حقوق. با این نگرش وجه اسقاط‌ناپذیر بودن و عدم قابلیت نقل و انتقال آن نیز روشن می‌گردد. مطلق یا غیرمشروط بودن آن نیز به این معنا است که تمامی انسان‌ها روحی دارند که از عالم امر به آنها افاضه شده و دارای احترامند، در هر سرزمینی زندگی کنند، به هر زبانی سخن بگویند، دارای

1. Moral Autonomy

2. Self- conscious rationality

هر رنگ و نژادی باشند و به هر آیینی معتقد باشند. رابطه متقابل حق و تکلیف که در اندیشه اسلامی بر آن تأکید می‌شود، مسأله کرامت که گفتیم غیرقابل انتقال و اسقاط و یا انفکاک است با یک تبصره مواجه می‌کند و آن این که اگر خود انسان موجبات نقض کرامت انسانی را فراهم کند به طبع برخی حقوق از آن سلب می‌شود. در حالی که این حق در اندیشه غربی به هیچ وجه قابل اسقاط یا انتقال نیست در اندیشه اسلامی و به ویژه در نظر فقیه مورد بحث تحقیق، با تبصره‌های مواجه است که در جای خود به طور مبسوط‌تر بیان می‌کنیم.

مبانی کرامت انسان در جهان بینی اسلامی

در مورد این که چرا انسان از کرامت نسبت به سایر موجودات برخوردار است و چه عواملی باعث شده که انسان موجودی با کرامت شود، یک سری مبانی بر شمرده‌اند که در این جا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم. و نظر امام خمینی(ره) را در این زمینه بیان می‌کنیم.

۱. انسان برگزیده و خلیفه خدا

انسان چون خلیفه خداست از کرامت و شأن برخوردار است. چنان که حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «خدای تعالی به حسب مقام الهیت همه صفات متقابله را مانند رحمت و غضب، بطون و ظهور، اولیت و آخریت و سخط و رضا مستجمع است و انسان که خلیفه‌ی اوست به واسطه قریش به آن حضرت و نزدیک بودنش به عالم وحدت و بساطت با دو دست لطف و قهر حضرت حق آفریده شده است به همین جهت است که خلیفه‌الله همچون حضرت باری تعالی که مستخلف عنه است مستجمع صفات متقابله است» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۱). مراد حضرت امام(ره) از این انسان، انسان کامل است که آدم ابوالبشر یکی از مصادیق آن است و مظهر اسماء و صفات حق و مثل آیت حق تعالی است. در جای دیگر می‌فرماید: «انسان اسم اعظم الهی ... و خلیفه خدا در همه عوالم است و انسان کامل از آن حیث که کون جامع و خلیفه خدا در زمین و نشانه او در همه عوالم است کریم‌ترین آیات الهی و بزرگ‌ترین حجت اوست»^۱ (امام خمینی الف، ۱۳۷۸: ۱۶۷)

۲. بهره‌مندی از عقل و خرد

یکی دیگر از مبانی کرامت انسان از دیدگاه اسلام خردمندی انسان است. از منظر فلسفه اسلامی انسان موجودی خردمند و اندیشمند است که این صفت، فصل ممیز انسان از سایر موجودات ذی حیات در زمین است به گفته حضرت امام(ره)، قوه‌ی عاقله قوه‌ی روحانی‌ای است که به حسب ذات مجرد و به حسب فطرت مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است. این جهت مشترک است که مورد ستایش و مبانی کرامت انسان است و این حقیقت مشترک است که با طهارت و تعالی آن، همه انسان‌ها می‌توانند در کنار یکدیگر زندگی صلح‌آمیز و دوستانه‌ای داشته باشند (خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱). کوتاه سخن این-

۱. دیدگاه امام خمینی(ره) را در جای دیگر به طور مبسوط در مورد کرامت انسانی بیان می‌کنیم.

که به گفته امام خمینی(ره) «خداوند تبارک و تعالی چون به بندگانش عنایت داشته به آنان عقل داده، نیروی تهذیب و تزکیه عنایت فرموده، انبیا و اولیا فرستاده تا هدایت شوند و خود را اصلاح نمایند»(همان، ۱۳۷۸: ۳۳) در ادامه‌ی همین بحث می‌فرماید: [خداوند] برای رسانیدن انسان به معدن عظمت و نور ابهج قدرت داده، عقل و ادراک عنایت کرده، کرامت‌ها فرموده است(همان، ۴۴).

۳. اختیار و آزادی اراده

یکی دیگر از مبانی در باب کرامت انسان این است که او تنها موجودی است که از اختیار و آزادی اراده برخوردار است، چنان‌که حضرت امام(ره) می‌فرماید: «تا انسان در این عالم است با قدم اختیار می‌تواند خود را در تحت تصرف یکی از آن دو نور عقل که از جنود الهی هست یا جنود غضب و شهوت که جنود شیطانی هستند قرار دهد و اگر کسی با قدم اختیار، خود را تحت تربیت و تصرف رب‌العالمین واقع کرد و مربوط آن تربیت شد... به مرتبه کمال انسانیت که مختص به این نوع انسانی است، می‌رسد»(همان، ۱۳۷۷: ۵۹).

اینک براساس این مبانی باید ببینیم چه اقسامی را برای کرامت انسانی می‌توان نام برد.

اقسام کرامت انسانی

در یک تقسیم‌بندی، کرامت دو قسم دارد:

الف. کرامت ذاتی^۱ یا طبیعی

این کرامت که از آن به حیثیت ذاتی^۲ نیز تعبیر می‌شود حقی است که تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن و بی‌هیچ‌گونه استثنایی از آن برخوردارند و رنگ و نژاد و آیین و گویش و گرایش، جنسیت و وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در آن دخلی ندارد و این همان است که آفریدگار جهان بدان تصریح نموده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» روایات اسلامی نیز بدین مضمون گواهی داده و این مهم را به صراحت اعلام نموده‌اند: حدیث شریف: «الخلق کلهم عیال الله وأحبهم انفعهم لهم»؛ (کافی، ج ۲: ۱۶۴) ناظر به همین مطلب است. امیرمؤمنان حضرت علی بن ابیطالب(ع) نیز در منشور عدالت و فرمان تاریخی خویش به مالک‌اشتر با اشاره به تساوی انسان‌ها در کرامت ذاتی به مهرورزی با مردمان توصیه فرمود و علت آن را چنین ذکر می‌نماید: «فإنهم صنفان إما أخ لك فی الدین وإما نظیر لك فی الخلق» مردمان دو دسته‌اند: یا برادر دینی تواند و یا در آفرینش با تو همانند هستند(نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳). سعدی شیرازی نیز در شعر جهانی خویش به زیبایی این نکته را یادآور شده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش زیک گوهرند

1. Inherent dignity

2. inherent

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز که در تاریخ ۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۱ قمری برابر با ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی در قاهره به تصویب رسید، با الهام از تعالیم والای اسلام در ماده اول خود چنین آورده است: الف- بشر به طور کلی، یک خانواده می‌باشند که بندگی خداوند و فرزندى آدم آن‌ها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند، بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره. ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد (به نقل از جعفری، ۱۳۷۰: ۳۸۶). بنابراین همان‌طور که قبلاً گفته شد کرامت ذاتی آن نوع کرامت و شأنی است که انسان به ماهو انسان از بدو تولدش از آن برخوردار است. و امری اکتسابی نیست.

ب. کرامت ارزشی^۱، اکتسابی یا انسانی - الهی

عبارت از کرامت و حیثیت ارزشی است که انسان با کوشش و تلاش اختیاری خویش در مسیر تزکیه نفس و تحصیل معرفت و هستی‌یابی و تقرب به پروردگار متعال که شناخت و احترام به کرامت انسانی یکی از مقدمات ضروری آن است، به دست آورد. به تعبیر دیگر، کرامت ذاتی که خداوند در نهاد هر انسانی به امانت گذارده است، مقدمه و دست‌مایه‌ای است برای نیل به فضائل و کمالات و نردبان صعودی است برای رسیدن به قلل مرتفع مقامات و کرامات انسانی-الهی و آنچه انسان شایستگی وصول به آن را داشته و هدف اصلی خالق از خلقت و آفرینش اوستو می‌توان گفت کرامت ارزشی و اکتسابی، نوع تکامل‌یافته و غنی‌شده‌ی کرامت ذاتی انسان است. قرآن کریم، نیز در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات به این مهم تصریح فرموده است: «ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین و پارساترین شماست، خداوند دانا و آگاه است». هرچند بخش آغازین آیه کریمه کرامت ذاتی و وجه اشتراک ابنای بشر را یادآور می‌شود و در پی آن است تا این حقیقت را گوشزد نماید که همگان از پدر و مادری مشترک پای به‌عرصه وجود نهاده‌اند و در این رهگذر تفاوتی میان رنگ و نژادهای گوناگون وجود ندارد و تفاوت‌های موجود در جهت تسهیل امور و شناخت و شناسایی یکدیگر و تعامل و همکاری بین فرزندان آدم است، لکن در ادامه در بخش پایانی، نوع دیگری از کرامت مطرح شده است که در پرتو تقوا و پارسایی^۲ و تلاش برای خودسازی و تقرب به درگاه الهی به-دست می‌آید و این همان کرامت و شرافتی است که از آن به کرامت اکتسابی و ارزشی یاد می‌شود و از این کریمه به‌خوبی می‌توان دریافت که این نوع کرامت در پیشگاه خداوندی از ارزش و اعتبار بالاتری

1. Adventitious dignity

2. pietism

برخوردار است. علت آن نیز معلوم و مشخص است، چه این که هدف از آفرینش آدمی تنها زیستن چندروزه در دار فنا و زوال پذیر دنیوی نیست و حیات ابدی انسان مربوط به عالم آخرت و ماورای دنیاست، بنابراین کرامتی که سعادت ابدی را رقم زند و عزت و سربلندی هر دو جهان را به دنبال آورد و انسان را به خالق و آفریننده خویش نزدیک سازد، از ارزش و اعتبار بیشتر برخوردار خواهد بود، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) نیز در بیانی شیوا می فرماید: «من کرمتم علیه نفسه لم یهنها بالمعصية»؛ یعنی کسی برای خود ارزش و کرامت قائل است خود را به معصیت و گناه، زبون و خوار نمی کند (غررالحکم و دررالکلم، ج ۸۷۳۰). در همین راستا می توان از این شعر عارف بزرگ مولانا نیز استفاده کرد که می گوید:

بندگی کن تا که سلطانت کنند

تن رها کن تا همه جانت کنند

خوی حیوانی سزاوار تو نیست

ترک این خو کن که انسانت کنند

بند ب ماده اول اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز در زمینه کرامت ارزشی انسان تصریح می نماید، «همه ی مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوب ترین آنان نزد خداوند سودمندترین آنان به همنوع خود است. و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد، مگر در تقوی و کار نیکو» ضمن اینکه سرلوحه اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز آیه ای شریفه: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) می باشد. از آن جا که این نوع کرامت، با تلاش و کوشش افراد بشر به دست می آید همه انسان ها در بهره مندی از آن برابر و یکسان نمی باشند و هر کس به فراخور سعی و کوشش خویش از آن بهره مند می گردد. و هر که را تلاشی فزون تر باشد بهره و نصیبی بیشتر خواهد بود.

تقابل یا توافق میان انواع کرامت در اندیشه ی شیعه

در اندیشه ی سیاسی شیعه به ویژه در میان فقهای شیعه بحث های علمی در مبانی و پایه های فلسفی و نقش انسان و کرامت او مطرح بوده است و هرطیف با نگرش خاص خود به کرامت انسان به تحلیل مسائل پرداخته اند. پرسش مهم این است که اندیشه امام خمینی (ره)، بر پایه کدام یک از انواع دوگانه کرامت انسان بنا شده است؟ همچنین آیا می توان میان این دو نوع کرامت تعاملی ایجاد کرد؟ در صورت تعارض اولویت با کدام نوع است؟ آیا خداوند یا دین، حق سلب کرامت ذاتی انسان را به واسطه جعل قوانین و اختصاص بعضی مزایا و حقوق به کرامت اکتسابی انسان را دارد؟ آیا انسان در بقا و زوال کرامت ذاتی نقش دارد یا در همه شرایط این کرامت باقی است؟ پاسخ به هریک از این سؤالات خود مقاله ای جدا می طلبد و ما فقط برای مشخص شدن نگاه فقهای شیعه به خصوص اندیشمند مورد نظر این تحقیق یعنی امام خمینی (ره) به کرامت انسانی به دنبال پاسخ به برخی از این سؤالات هستیم. از میان اظهارات اندیشمندان مسلمان به طور اعم و فقهای شیعه به طور اخص، سه نظریه را می توان از آراء و روند آن ها استخراج کرد ملاک و معیار این تقسیم بندی در این است که متفکران به چه میزان برای کرامت ذاتی و

ارزشی در جعل قانون و رعایت آن در حکومت اعتبار قائل اند. در صورت تعارض میان لوازم این دو قسم کرامت، اصل بر رعایت کدام کرامت است.

نظریه انسان‌گرایانه^۱: این نظریه می‌گوید کرامت ذاتی در حوزه‌ی اجتماعی و دنیوی است و کرامت ارزشی در حوزه‌ی فردی و اخروی است؛ یعنی کرامت ذاتی اصل و پایه در روابط انسان با جامعه و افراد دیگر است و کرامت تشریعی در رابطه انسان با خداست و نباید ارزش‌های عبادی و عقیدتی افراد را در حوزه جامعه و حکومت تسری داد. که به نظر می‌رسد اندیشه لیبرال غربی این نظریه را قبول دارد.

نظریه افزوده: می‌گوید میان این دو کرامت تقابلی نیست بلکه کرامت ارزشی افزوده^۲ به آن کرامت ذاتی است و در صورت تعارض میان کرامت ذاتی و کرامت ارزشی، اصل بر کرامت ذاتی است و باید از قوانین ارزشی رفع ید کرد، که این نظریه را بیشتر در دیدگاه تجددگرایان مسلمان می‌توان یافت.

نظریه اقتضاء: کرامت ذاتی، اقتضاء^۳ است که با کرامت ارزشی فعلیت می‌یابد و با فساد و جرم تحت شعاع قرار می‌گیرد. لذا مبنا، کرامت ارزشی است. به نظر می‌رسد این نظریه بیشتر مورد نظر نوگرایان یعنی اندیشمند مورد نظر این تحقیق می‌باشد.

حال به طور مشروح این نظریه‌ها و لوازم آنها را بیان می‌کنیم.^۴

نظریه‌ی انسان‌گرا

در این نظریه کرامت ذاتی در عرصه‌ی حقوقی و اجتماعی مطرح است و مخصوص همه انسان‌ها بدون هیچ قید و اضافه‌ای است. کرامت اکتسابی و تشریعی امری فردی و به رابطه میان خلق و خالق است و امری اخروی و درونی است. لذا وظایف دولت متوجه به کرامت ذاتی و سرشت مشترک مادی و طبیعی است و دخالت دولت و حکومت در امور دینی و معنوی ضد کرامت است. یکی از چیزهایی که هیچ قید و شرطی ندارد، حرمت و کرامت و منزلت انسان است.

از دیدگاه معتقدان به این نظریه، این دین نیست که به انسان حقوق می‌بخشد تا بتواند از آن‌ها سلب هم بکند، بلکه انسان بما هو انسان، فارغ از این که این دین یا آن دین را داشته باشد و فارغ از این که اساساً مؤمن باشد یا کافر، این حقوق را دارا است؛ انسان‌ها با هر نژاد، مذهب، طبقه و شغلی از حقوق یکسانی برخوردارند و هیچ کس بر دیگری امتیازی ندارد و به همین دلیل هر انسانی با تغییر عقیده‌اش حقوق و کرامت او زایل نمی‌شود. این نظریه که پایه حقوق بشر غربی است برای کرامت ارزشی جایگاهی دنیوی قائل نیست. لذا در بحث عقیده آن را عامل برتری نمی‌داند و در عالم نظر برای منحرف‌ترین

1. Humanistic

2. Additional

3. Appropriateness

۴. نکته‌ی قابل ذکر در این‌جا این است که چون این نظریات از فحوای نظریات ارائه شده به دست آمده است و تاکنون نویسنده با دسته‌بندی دیگری برخورد نکرده است ممکن است جامع و مانع نباشد و در بعضی لوازم و فروع با هم تداخل داشته باشد و یا لوازم ذکر شده مورد توافق همه نباشد و دسته‌بندی‌های دیگری در این مسأله انجام دهند.

عقیده‌ها نیز حقوقی قائل است هرچند که در عالم عمل این عملیاتی نمی‌شود. چرا که خود دریافته‌اند که این زمینه انحراف کلی جامعه را فراهم می‌کند و بی‌توجهی به کرامت ارزشی و دادن آزادی مفرط زمینه سقوط انسان در امیال نفسانی و حیوانی را فراهم می‌کند. در مقابل فقه شیعه نیز بر پایه پارادایم سستی برتری عقیده بر انسان سامان گرفته و کامل‌ترین حقوق را برای مؤمنان دانسته و غیرمؤمنان را به واسطه زیر پا گذاشتن تکالیف خود از برخی حقوق محروم داشته‌اند. بنابراین نظریه، تضمینی برای رعایت حقوق هیچ‌کس وجود نخواهد داشت و با تبعیض حقوق مؤمنان و غیرمؤمنان حتی حقوق مؤمنان هم تضمین نخواهد شد.

از جمله لوازم این نظریه آن است که:

- بنای حکومت بر کرامت ذاتی و سرشت مشترک افراد بنا شود و حق و قانون نیز از آن مشروعیت می‌گیرد و فقه و دین توان نفی و حد زدن این کرامت را ندارد.
- اسلام و تقوا (کرامت ارزشی) نباید مبنای تمایز اجتماعی و پایه حقوقی و حق‌گذاری شود بلکه آن‌ها به رابطه میان فرد با خالق مربوط است.
- وضع قوانین باید به حداقل برسد و انسان‌ها براساس طبیعت و کمال خود رفتار کنند.
- تساهل فرهنگی و تسامح عقیدتی و نفی حکم ارتداد و اعدام و ... از ضروریات حکومت در این نظریه است.

نظریه افزوده

در این دیدگاه کرامت ذاتی انسان منشأ یکسری حقوق ذاتی است که خداوند بر آن قرار داده که قابل نقض به‌وسیله هیچ عاملی حتی دین نیست و قوانین دینی معارض با حقوق ذاتی انسان را باید جوری تفسیر و فهم کرد که با حقوق ذاتی سازگار باشد لذا باید به اجتهاد نوگرایانه دست زد. کرامت اکتسابی امتیاز و عنایتی است که خداوند به انسان‌های مؤمن عطا کرده است و از مزیت‌هایی در نظام اسلامی برخوردار هستند اما این باعث نمی‌شود که چون انسان‌هایی به این اصول و قوانین عمل نکرده‌اند از حقوق ذاتی برآمده از کرامت انسان سلب شوند لذا در این دیدگاه باید بنای حکومت دینی را بر فقهی بنا کنیم که با کرامت ذاتی سازگاری داشته باشد، لذا در این دیدگاه دو نوع قوانین باید وضع شود: قوانین درون دینی (بر پایه حقوق مؤمنان) قوانین برون دینی (بر پایه حقوق ذاتی بشر)، به عبارت دیگر در این نظریه اعتقاد بر این است که همه‌ی انسان‌ها دارای حداقل‌هایی از حقوق هستند که به هیچ وضع قابل سلب از آنها نیست حال اگر کسی با اعمال شایسته خود کرامت خود را بالا برد از مزیت‌هایی برخوردار خواهد شد اما اگر گرفتار امیال نفسانی شد و خوی حیوانی بر آن غلبه کرد ما نباید حقوق انسانی را از آن سلب کنیم. به عبارت دیگر این نظریه کرامت ذاتی را به عنوان پایه و مبنا می‌پذیرد و کرامت ارزشی به عنوان یک مکمل بر آن افزوده می‌شود. همان‌طور که گفته شد تجددگرایان شیعه مانند مجتهد شبستری و محسن کدیور را می‌توان در این دسته قرار داد که سعی دارند تفسیری امروزی از دین داشته باشند.

حجة الاسلام سیدعلی نقی ایازی در تحلیل مفهوم و عناصر جامعه مدنی می‌نویسد: انسان از آن‌رو که انسان است، کرامت دارد. حقوق افراد محترم است و همه افراد صرف نظر از اندیشه‌ها و عقایدشان حق اظهارنظر دارند و می‌توانند حق خود را از حکومت بخواهند و در واقع نحله انسان‌گرایی برای استیفای این حق انسانی به‌وجود آمده تا کرامت انسانی را پاس بدارد. لذا انسان‌ها همواره از حقوق ذاتی به‌واسطه داشتن کرامت ذاتی برخوردارند (ایازی، ۱۳۷۹: ۲۱).

دکتر محسن کدیور در بحثی پیرامون حقوق بشر از نظر تا عمل این‌گونه نقل کرده‌اند: که اگر مجموعه‌ای از احکام ثابت و متغیر باشند، ممکن است احکام متغیر در برخی زمان‌ها حقوق بشر را برتابد، لذا در احکامی چون برده‌داری، رجم^۱، ارث، ارتداد^۲ و ... چنان‌چه با یقین به این نتیجه رسیدیم که احکام عادلانه نیستند، قابل تغییرند. لذا به اعتقاد او نباید با زور این قوانین را برای جامعه امروز نیز اجرایی کنیم و کرامت ذاتی انسان را زیر پا بگذاریم (رجبی، ۱۳۸۰: ۱۵).

بدین ترتیب این دسته برای انسان به ما هو انسان کرامت ذاتی قائل‌اند که با هیچ عاملی قابل نقص نیست. تفاوت این نظریه با نظریه قبلی در این است که این‌ها کرامت ارزشی را امری اخروی و فردی نمی‌دانند بلکه امری مربوط به همین دنیا می‌دانند حال اگر کسی کرامت ارزشی خود را تقویت کرد از مزیت‌هایی نسبت به بقیه برخوردار خواهد شد اما اگر کارهای ناشایست انجام داد ما حق سلب تمام حقوق انسانی را از او نداریم و حداقل‌هایی را باید برای انسان در نظر بگیریم. در حالی که در نظریه قبلی به‌کلی کرامت ارزشی را امری مربوط به آخرت و رابطه انسان با خدا می‌دانست که در این دنیا هیچ اثر وضعی ندارد.

نظریه اقتضاء

این نظریه در مورد تعامل دو نوع کرامت انسانی دیدگاه متفاوتی دارد؛ در این نظریه در نگاه اول هر دو کرامت با یکدیگر جمع می‌شود یعنی کرامت ذاتی بخشی از کرامت ارزشی است. می‌توان گفت، کرامت ذاتی یک اصولی را برای انسان اثبات می‌کند اما حدود و شرایط آن به عهده شرع و قانون الهی است. در این نظریه در واقع کرامت ارزشی تعیین‌کننده است. یعنی اگر چه انسان از بدو تولدش دارای کرامت فطری و خدادادی است اما انسان با توجه به قوه اختیاری که دارد می‌تواند این کرامت را از خودش سلب کند و یا آن را تقویت کند، بنابراین کرامت ذاتی انسان مقوله‌ای نیست که همواره باشد بلکه با کرامت ارزشی فعلیت می‌یابد. این نظریه مورد پذیرش اکثر فقهای شیعه به‌خصوص امام خمینی (ره) است. برای نمونه:

حجة الاسلام دکتر قاضی‌زاده در این باره اظهار داشته‌اند: «در متون دینی و اسلامی هم در عرصه‌های اخلاقی و هم در عرصه‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای به کرامت انسان شده است که این کرامت دارای

1. Stoning.
2. Apostasy

سطوح مختلفی است و انسان‌ها در اثر کرامت‌های بیشتر سطوح بالاتری دارند... کرامت نوعی شرافت است و از دیدگاه اسلامی انسان بودن و داشتن نفس ناطقه به خودی خود شرافت محسوب نمی‌شود، بلکه این کرامت است که جایگاه انسان‌ها را مشخص می‌کند» (رجبی: ۱۹)

آیت‌الله مصباح نیز در تحلیل خود می‌فرماید: «کرامت ذاتی هیچ بار ارزشی ندارد بلکه اختصاص به خداوند دارد آن کرامتی بار ارزشی و حقوقی دارد که همراه اختیار باشد». (مصباح، الف ۱۳۸۰: ۱۸) ایشان در جای دیگر می‌گویند: «یک دسته آیات قرآنی ناظر به «کرامت تکوینی» انسان و در واقع هدف مدح در آنها، مدح فعل خداست؛ اگر انسان فضیلتی هم دارد به اعتبار این است که متعلق تکریمات الهی است و گر نه با نظر دقیق، باید گفت این کرامت‌ها از آن خداست. اما جایی که پای افعال اختیاری به میان آید، دیگر جای کرامت عمومی و همگانی نیست. پس پاسخ ما به این سؤال که آیا انسان از دیدگاه ارزشی، بر همه‌ی موجودات مزیت دارد و آیا همه‌ی انسان‌ها در این زمینه مساویند؟ این است که نه همه‌ی انسان‌ها بهتر از همه‌ی حیواناتند و نه همه پست‌تر. برخی آن قدر تکامل می‌یابند که فرشتگان در برابرشان سجده می‌کنند و برخی چندان تنزل می‌یابند که از حیوانات هم پست‌ترند» (مصباح، ب، ۱۳۸۰: ۱۲). ایشان در جای دیگری در نقد نگاه به کرامت انسانی در غرب اظهار می‌دارند: «...اعلامیه جهانی حقوق بشر برای کرامت و آزادی انسان ارزش زیادی قائل است. از نظر این اعلامیه، چون انسان دارای کرامت، حرمت و احترام است دارای یکسری حقوق اساسی و بنیادی است؛ ولی این پرسش مطرح است که آیا کرامتی که برای انسان ثابت است، باید همیشه و در همه جا رعایت گردد یا این که حدودمرزی دارد؟ تاریخ بشری شاهد افراد جنایت‌کاری بوده است که زمین را از خون انسان‌های بی‌گناه سیراب نموده‌اند... حال آیا چنین انسان‌هایی، دارای کرامت بشری و احترام هستند؟... منظور تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی از کرامت، چه نوع کرامتی است؟ آیا این حق با این وسعت و اطلاقش قابل قبول است یا باید استثناهایی را بر آن پذیرفت؟ بدیهی است که اطلاق و عموم کرامت بشری با هیچ منطق و برهانی قابل پذیرش نیست و حتماً استثنا دارد...» (همان: ۲۵).

آیت‌الله جوادی‌آملی نیز در همایش بین‌المللی امام خمینی (ره) و قلمرو دین اظهار داشتند: «منشأ کرامت انسان دین است و برای فهم دین، عقل و نقل هر دو ضروری هستند. اگر فهم انسان را از دین جدا کنیم و عقل را تنها فهم بشری بدانیم این مسأله با اصل کرامت انسان در تعارض است» (جوادی آملی، ۱۳۸۵) از دیدگاه ایشان کرامت برای انسان نه تنها حق است، که تکلیف نیز هست یعنی نه تنها دیگران حق ندارند به کرامت او آسیب رسانند بلکه خودش نیز حق گذشتن از کرامت خویش را ندارد و نمی‌تواند به ذلت و خواری تن در دهد. مقوم اصیل هویت انسان را کرامت او تشکیل می‌دهد و اگر کسی فاقد کرامت بود سهمی از هویت انسانی ندارد و خود قرآن بسیاری از انسان‌ها را از حریم کرامت، بیرون می‌خواند. در نگاه آیت‌الله جوادی محرومان از کرامت انسانی در قرآن دو گروه هستند.

گروه اول: کسانی که با سیر واژگون به حیوانیت سقوط کردند: «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان/۴۴)^۱ گروه دوم: کسانی هستند که با مکر و فریب و نیرنگ به عنوان شیطان از آنها یاد شده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ»^۲ (انعام/۱۱۲) قرآن کریم انسان را موجودی می‌شمارد که خداوند به وی کرامت بخشیده است این کرامت یک ارزش نظری است که بعداً می‌تواند جنبه عملی پیدا کند. اما نباید گمان کرد که این ارزش نظری در ردیف اعتباریات جای دارد. کریم بودن انسان واقعی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن که همه این‌ها مظاهر کرامت خداوندند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۵).

علامه جعفری در تبیین دیدگاه خود در مورد کرامت انسانی با مطرح کردن این سؤال که اگر فرد یا جامعه‌ای حق کرامت دیگران را مراعات نکند، آیا می‌تواند از حق کرامت برخوردار باشند؟ پاسخ می‌دهد که: «ممکن است برخی افراد اعتراض کنند که اصلاً نیازی به طرح مسأله مذکور وجود ندارد اما باید این اشخاص توجه کنند که این یک مسأله بسیط نیست که پاسخ اش آری یا نه باشد بلکه دارای ابعاد مختلفی است که با نظر به هریک از ابعاد، با قضایای مختلفی روبرو می‌شویم... عدم مراعات حق کرامت انسان‌ها، ناشی از یک نوع علت نیست؛ لذا پاسخ مسأله بستگی به تعیین علت اهانت و تحقیر دیگر انسان‌ها دارد ... اگر علت عدم اعتقاد به کرامت دیگران از روی هواپرستی، خودکامگی و شهوت‌پرستی بوده باشد. قاعدتاً بر طبق آیه ۱۷۹/سوره اعراف «أَنَّا مِثْلُكُمْ فَطَرْنَاكُمْ مِنْ نَارِ الْإِنْسَانِ أَلَيْسَ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمٌ» (همان: ۳۵۳-۳۵۶). بدین ترتیب کرامت از آن‌ها ممکن است. اگر علت از روی جهل به معنای انسان، شئون و ارزش‌های او بوده باشد و این جهل بسیط باشد یعنی به محض آگاهی به آن، از آن دست بر می‌دارد. تکلیف از چنین انسان‌هایی ساقط می‌شود... و اگر جهل او جهل مرکب باشد یعنی از روی اندیشه و تفکر به این نتیجه رسیده باشد که برخی انسان‌ها از کرامت برخوردار نیستند، این فرد را باید مجازات کرد (همان: ۳۵۳-۳۵۶). بدین ترتیب ایشان در مورد نظریه سوم، یعنی نظریه اقتضاء مسأله را موشکافانه تر توضیح می‌دهد. که اگر کسی کرامت خود را نقض کرد در صورتی که از روی هواپرستی و شهوت باشد و یا از روی جهل مرکب باشد، کرامت از او سلب می‌شود. در غیر این صورت، اگر از روی عدم آگاهی بود، کرامت ذاتی از او سلب نمی‌شود.

در پایان این مبحث کلامی از مولای موحدان و متقیان علی بن ابی‌طالب (ع) در مورد کرامت انسانی بیان می‌کنیم که فرمود: «من کثرت طاعته کثرت کرامته ومن کثرت معصيته وجبت اهانتة؛ آن‌که را طاعت زیاد باشد کرامت اش افزون و آن‌که معصیتش زیاد باشد اهانتش واجب است»

۱. آیا می‌پنداری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ (نه) آنها جز همانند چارپایان نیستند بلکه همراه‌ترند (زیرا حیوانات راه هدف خلقت را طبق گزینه درست می‌پیمایند و اینان نه).

۲. و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیطان‌های انس و جن (به وسیله خلق غرائز مختلف شهوت در وجودشان) قرار دادیم.

(غررالحکم/احادیث ۹۰۹۲، ۹۰۹۳). طبق این کلام نورانی گناه و مخالفت پروردگار موجب بر باد رفتن کرامت انسانی است.

پس از بیان کردن دیدگاه برخی از اندیشمندان معاصر شیعه، در اینجا به طور خاص دیدگاه امام خمینی(ره) را در این زمینه بیان می‌کنیم.

کرامت انسانی در نگاه امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره) که خود فقیهی برجسته و اسلام شناسی فرهیخته به‌شمار می‌آیند با نگاهی ظریف و نگرشی عمیق در تبیین و تشریح مسأله کرامت انسانی پرداخته است. امام(ره) در جای جای آثار خود و یا در سخنرانی‌های خود که مجموعه آن در کتاب «صحیفه نور» جمع شده است نگاه خود به کرامت انسانی را بیان کرده است. که ما سعی می‌کنیم با استخراج آن‌ها دیدگاه امام(ره) را در این زمینه ترسیم کنیم.

اهمیت انسان و کرامت انسانی در اندیشه حضرت امام(ره) به قدری زیاد است که ایشان از آن، بارها در کتاب‌های خود نام برده است؛ مثلاً در کتاب شرح چهل حدیث حدود ۲۵ بار کلمه‌ی کرامت را به کار برده است و همچنین در کتاب‌های «آداب‌الصلوة»، «سر‌الصلوة» یا در سخنرانی‌های خود به تبیین این مسأله پرداخته است. به هررویی کی از نقاط عزیمت امام خمینی(ره) به سوی سیاست، مؤلفه انسان و شناخت و تربیت اوست. ایشان درباره اهمیت انسان شناسی معتقدند که «اصلاً موضوع بحث انبیاء انسان است. همه‌ی انبیاء از آدم تا خاتم موضوع بحث شان انسان است. به هیچ چیز دیگر هیچ فکر نمی‌کنند. به انسان فکر می‌کنند؛ برای این که همه‌ی عالم هم خلاصه اش انسان است... انسان اگر درست بشود، همه چیز عالم درست می‌شود» (امام خمینی(ره)، ج ۱۰، ب ۱۳۷۸: ۶۸).

از دیدگاه امام خمینی(ره)، آدمی موجودی مرکب از نیروهای چندگانه است که نه صرفاً خیر است و نه به کلی شر؛ بلکه در یک نزاع دایمی، در مسیر رسیدن به تکامل یا سقوط قرار گرفته است. بنابراین، همان طور که صفت شرارت و دروغ جزء «خبث نهایی طبیعت» انسان است، خیر و راستی نیز جزء «طبع آدمی‌زادگان» است. امام(ره) عقل را مهم‌ترین عنصر سعادت و حفظ اعتدال درون انسان دانسته‌اند که همواره سه دشمن هلاک‌کننده (غضب، شهوت و جهل) دارد (شریعتمدار، ۱۳۸۹: ۵) که می‌تواند با تقوای خود بر این سه نیرو غلبه کند و راه تکامل را طی کند و از سقوط در خوی حیوانی جلوگیری کند.

انسان دو راه پیش‌روی خود دارد: انتخاب راه درست و رسیدن به کرامت و در مقابل، انحراف به کج راه‌ها و افتادن در مذلت‌ها. بر این اساس، انسان می‌تواند موجودی الهی و ملکوتی شود و یا موجودی شیطانی و جهنمی. انسان‌ها درجات و مراتب متنوع و متعددی دارند؛ انسان به‌گونه‌ای آفریده شده است که استعداد رسیدن به مراتب مختلف را در خود دارد؛ بنابراین می‌تواند از ملائکه و فرشتگان الهی به خدا نزدیک‌تر شود و نیز ممکن است از حیوانات، فروتر رود. به‌طوری که مولانا می‌گوید:

آدمی زاده طُرفه معجونی است

کز فرشته سرشته و ز حیوان

گر کند میلِ این، بود کم از آن

ور کند میلِ آن، شود به از آن

در هیچ نوعی از انواع موجودات، اختلافی که در افراد بشر یافت می‌شود، وجود ندارد و این به آن سبب است که ماده‌ی انسانی به گونه‌ای آفریده شده است که در آن، استعداد انتقال به هر صورتی از صور و اتصاف به هر صفتی از صفات وجود دارد.

البته امام خمینی(ره) انسان را به دلیل برخورداری از کرامت ذاتی، با سایر حیوانات متفاوت می‌داند: «در میان همه‌ی موجوداتی که در این طبیعت موجود هستند، انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند - انسان - یک مرتبه باطن، یک مرتبه عقلیت، یک مرتبه‌ی بالاتر از مرتبه‌ی عقل در انسان به قوه هست، از اول در سرشت انسان هست که این انسان از عالم طبیعت سیر می‌کند تا برسد به آن جایی که وهم ماها نمی‌تواند برسد و همه‌ی این‌ها محتاج به تربیت است» (امام خمینی(ره)، ج ۴: ۱۷۵) ایشان در ادامه به کرامت اکتسابی که در اثر تربیت صحیح حاصل می‌شود اشاره می‌کند و می‌فرماید: «رسیدن به این مرتبه نیازمند تربیت صحیح است و فقط خدای متعال که بر انسان و طبیعت او آگاه است، می‌تواند این تربیت را مهیا کند. اطلاع را خدای تبارک و تعالی دارد و بعثت انبیا برای این است که این بشر، این چیزهایی را که اطلاع ندارد، این مراتب از انسانیت را که خود بشر مطلع نیست و کیفیت تربیت را (تا اطلاع بر خود درد و دوا نباشد نمی‌شود معالجه کرد) انبیا آمدند تا این انسان را به آن مراتبی که کسانی دیگر، علمای طبیعت نمی‌توانند این مراتب را اطلاع پیدا کنند، و تربیت کنند انسان را، این مراتب را تربیت بدهند و نمو و مورد ارتقا بدهند» (همان، ج ۴: ۱۷۷) در واقع نگاه امام به انسان که متأثر از نگاه ملاصدرا می‌باشد یک نگاه متحرک است. یعنی همواره در حال سیر به سوی باری تعالی می‌باشد.

بین عقل مطلق و نفس کلی که عالی‌ترین مرتبه‌ی وجود، بعد از خالق یکتاست و ماده و حیوان که آخرین مرحله‌ی وجود است و از عناصر مختلف ترکیب شده، پیوستگی و تعادل است و انسان نیز در این حرکت منسجم و هدفمند هستی، از عناصری ترکیب شده که موجب تمایز با موجودات دیگر گشته است؛ به عبارت دیگر، انسان، مرکب از ماده (عالم سفلی) و معنا (عالم علیا) است. بنابراین، وی موجودی چندبعدی است و این ابعاد متضاد، صفات و اخلاقیات متضادی را در رفتار فردی و اجتماعی موجب می‌شود. لذا انسان، در انسان‌شناسی امام امکان دارد کرامت، شأن و منزلتش ارتقاء یابد و یا ممکن است از او سلب شود و نیز امام خمینی(ره) عقیده دارد که اگر افرادی که در ظاهر شباهت با انسان‌های دیگر دارد ولی خوی حیوانی آن‌ها به گونه‌ای است که مانع پیشرفت معنوی جامعه می‌شوند باید چنین افراد مزاحمی از سد راه برداشته شوند. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «منطق انبیا این است که «اَشْداء» باید باشند بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند. بین خودشان هم رحیم باشند و آن شدت هم رحمت است بر آن‌ها.... موسای کلیم -سلام‌الله‌علیه- با یک دست تورات را داشت و با دست دیگر عصا، عصایی

که فرعونیان را به خاک مذلت کشاند. عصایی که اژدها بود، عصایی که خیانت کاران را می‌بلعید. پیغمبر بزرگ اسلام با یک دست قرآن را داشت و با دست دیگر شمشیر. شمشیر برای سرکوبی خیانت کاران و قرآن برای هدایت» (همان، ج ۹: ۳۴۰)

با نگاهی به مباحث فقهی حضرت امام (ره) از جمله در مباحث قصاص، دیات، قضا و نکاح که بحث‌هایی مهم در کرامت انسانی هستند، می‌بینیم که امام می‌فرماید: «اگر به قانون قصاص، دیات و حدود اسلام، یک سال عمل شود تخم بیدادگری‌ها و دزدی‌ها و بی‌عفتی‌های خانمان سوز از کشور برچیده می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۲۷۴) این گفته امام تأکیدی بر کرامت ارزشی انسان می‌باشد که نقض آن‌ها منجر به سلب کرامت ذاتی از انسان‌ها می‌شود و اجرای این مجازات برای این است که انسان از نقض کردن کرامت خود و دیگران بر حذر باشد.

البته امام خمینی (ره) در تحلیل نهایی ذات انسان را همواره پاک می‌داند و تنبیه و مجازات‌هایی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده نه برای سلب کرامت ذاتی از آن‌ها بلکه برای پاک شدن انسان از آلودگی‌ها و برگرداندنش در مسیر کمال می‌داند. در این راستا امام خمینی (ره) می‌فرماید: «خدای تبارک و تعالی چون به بندگان عناية داشته، به آنان عقل داده، نیروی تهذیب و تزکیه عناية فرموده، انبیا و اولیا فرستاده تا هدایت شوند و اگر این پیش‌گیری‌ها مایه‌ی تنبیه و تهذیب انسان نگردید... با گرفتاری‌های گوناگون، ابتلائات، فقر و مرض، آن را متوجه می‌نماید و مانند یک طیب حاذق... می‌کوشد این بشر مریض را از بیماری‌های خطرناک روحی علاج بخشد و اگر از این راه هم نتیجه‌ای به دست نیامد و بشر گمراه معالجه نشد و استحقاق نعمت‌های بهشتی را نیافت در موقع فرع و جان دادن فشارهایی بر او وارد می‌کند بلکه برگردد و متوجه شود. باز هم اگر اثر نبخشید در قبر و عالم برزخ و در عقبات هولناک بعد از آن فشارها و عذاب‌هایی وارد می‌آورد تا پاک و منزّه گردد و به جهنم نرود... [اگر] این معالجات مؤثر واقع نگردد و محتاج باشد که خدای کریم مهربان بنده‌ی خود را به آتش اصلاح کند همانند طلایی است که باید در آتش، خالص و پاک گردد» (همان، ۱۳۸۴: ۱۱-۳۶). امام (ره) در این سخنان چنان که ملاحظه می‌کنید، به عقل و اختیار و نیک بودن ذات انسان و نیز عنایات خداوندی اشاره می‌کند. بنابر این امام خمینی (ره) مانند علامه جعفری، یک تبصره‌ای بر نظریه اقتضاء می‌زند و آن هم این که ذات انسان پاک است و مجازات‌هایی که اسلام برای کسانی که کرامت انسانی خود را نقض می‌کنند نه به معنای سلب کرامت از آن‌ها، بلکه برای پاک کردن ذات او از زنگارها و آلودگی‌های دنیایی است.

امام خمینی (ره) در نقد خود از مکاتب غیرتوحیدی که در بسیاری از موارد اساس اندیشه کنونی غرب را تشکیل می‌دهد می‌گوید: «متأسفانه مکاتب غیرتوحیدی، انسان را در بعد حیوانی‌اش خلاصه کرده‌اند و تمام برنامه‌هایی که برای انسان آورده‌اند، جهت تأمین همین بعد است» (امام خمینی، ج ۱۰: ۲۸۸). «در حالی که انسان به‌خاطر حجم مادی، انسان نیست؛ چرا که این حجم مادی را سایر حیوانات، حتی بیشتر از آن راهم دارند» (همان، ج ۲۴۵: ۱۰) «انسانیت انسان به معنویت انسان است» (همان، ج ۲۶۲: ۸).

همان‌طور که قبلاً گفتیم این ابعاد وجود در سایر موجودات نیست. فقط انسان است که در بین دو حد نامحدود از یک سو اعجوبه ای است که از او یک موجود ملکوتی ساخته می‌شود و از سوی دیگر از حیوان نیز پست‌تر می‌شود (همان، ج ۲۸۵: ۱۳)؛ لذا انسان می‌تواند در دو مسیر موجود جهنمی شیطانی رذیلت یا فضیلت رشد بی‌نهایت کند. می‌تواند به مقامی برسد که مافوق عقل باشد و از جمیع ملائکه‌ی مقربین، اشرف بشود و نیز این استعداد را دارد که از همه‌ی انواع حیوانات، درنده تر و موذی‌تر و پست‌تر شود. چرا که اولاً: حیوانات دیگر، حدود شیطنیت، شهوت و سببیت شان محدود است، اما انسانی که پست شد سببیت و حیوانیت شان حد ندارد و می‌توان تا لامتناهی برود انسان موجودی است که به دلیل وجود هواهای نفسانی حرص و غضب و شهوت و آمال و آرزوهای بی‌پایان و سیری‌ناپذیر است (همان، ج ۱۲: ۵۰۴) ثانیاً: هیچ حیوانی به اندازه‌ی انسان به هم نوع جنایت وارد نمی‌کند (همان، ج ۹: ۲۹۲) و ثالثاً: هیچ حیوانی بعد از ارضای غریزه‌اش ممنوع خود را استثمار نمی‌کند برخلاف انسان (همان، ج ۱۲: ۵۰۵) به باور ایشان، بی‌تقوایی و عدم فرزاندگی، موجب سیه‌روزی ملت‌هاست و به بیان ساده و روشن‌تر آن‌قدر که انسان غیر تربیت شده، مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن‌قدر مضر نیست (همان، ج ۱۴: ۱۵۳).

امام خمینی (ره) در جای دیگر این نکته را تقویت می‌کند «انسانیت انسان به کمالات روحی و معنویاتست، نه به جسم و حجم مادی و مانند آن، چنان‌که کمال و نقص انسانیت، تابع کمال و نقص توجه به عز ربوبی و ذل عبودیت است» (امام خمینی (ره)، الف، ۱۳۷۸: ۷). همچنین محال است کسی که به مرتبه انسانی رسیده و در این مرتبه تثبیت شده است به مرتبه‌ی حیوانی عودت کند (امام خمینی (ره)، ب، ج ۱۸۳: ۳) و صد البته انسان تا در این دنیا و دارالغورور است، به هر مرتبه از کمال و جمال روحانی هم که رسیده باشد، اگر چنان‌چه تثبیت نشده باشد، ممکن است که کاملاً تغییر کند و عاقبت امرش شقاوت نباشد کیست که به یقین بداند که در مقام کمال تثبیت شده است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۵۳).

در ادامه تبیین دیدگاه امام (ره) در مورد انسان و کرامت انسانی به مواردی دیگر از اظهارات ایشان که برگرفته از فقه اسلامی است اشاره می‌کنیم. امام خمینی (ره) در مورد شأن و کرامت برابر انسان‌ها می‌گوید: «هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیرترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند... باید این امتیازات از بین برود، و همه مردم علی‌السواء هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آن‌ها داده می‌شود. در اسلام ما، بین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست، در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است حقوق مسیحین مراعات شده است، حقوق یهود و زرتشتیین مراعات شده است، تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آن‌ها قائل است. اسلام به انسانیت انسان ارج می‌گذارد» (امام خمینی (ره)، ب، ج ۴۶۱: ۶) ایشان همچنین با اشاره به عدم تفاوت زن و مرد در کرامت فرموده است: «زن‌ها مقام کرامت دارند، زن‌ها اختیار دارند، همان‌طوری که مردها اختیار دارند. خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است» (امام خمینی (ره)، ب، ج ۱۱: ۲۵۳). امام (ره) در جای دیگر فرموده است: «اسلام ... مسائلی دارد که مربوط به همه

بشر است، هیچ مملکتی دون مملکتی نیست، اسلام این طور نیست که یک مملکت داشته باشد به اسم ایران -مثلاً- یا به اسم عراق یا به اسم کذا، این جورها نیست، تمام عالم تحت نظرش است یعنی نظر اسلام به این بوده است که بشر بسازد، ... یک دین الهی است، همان طوری که خدای تبارک و تعالی خدای همه است، نه خدای شرقی ها و مسلمان ها یا غربی ها یا مسیحی ها یا یهودی ها ... اسلام هم یک دینی است مال همه. یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می خواهد در آورد، به یک صورت عادلانه در آورد. حکومت اسلامی، یک همچو حکومتی است، حاکمش با آن ادنی فردش در حقوق مثل هم هستند. هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی یا یهودی و یا مذهب دیگر فرقی ندارد. از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند ... بله در بعضی از موارد تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن ها ارتباط ندارد» (همان، ب، ج ۶: ۲۹۹-۳۰۲). امام خمینی (ره) در این بیانات نشان می دهد که همه ی افراد بشری در نگاه اول دارای شأن و کرامت ذاتی اند. اما این برابری با اعمال انسانی می تواند تغییر کند. چرا که مسأله کرامت ارزشی مطرح است. امام خمینی (ره) مسأله کرامت ارزشی انسان را مطمحنظر قرار داده و در این باره فرموده است: «در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه و اشخاص [و] گروه های مختلف ... امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و تقوا دانسته است، کسی که تقوا دارد امتیاز دارد. هیچ فرقی ما بین یک گروه با گروهی دیگر در اسلام نیست، فقط به تقوا و به اتقاء عن الله تعالی فرق است. البته [برای] متقی مرتبه بالاتر هست برای اینکه مرتبه انسانیت ایشان بالاتر است، اسلام به انسانیت انسان ارج می گذارد، انسانیت انسان به علم و تقواست، به دانشمندی و تقواست، کسی که علم و تقوا دارد، این به دیگران مقدم است» (همان، ب، ج ۶: ۴۶۴). همچنین ایشان در بیانات دیگر فرموده است: «شرافت به تقواست. همه مثل هم هستند، تفاوت تقواست. در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزون تر از آن کسی است که تقوا داشته باشد. آن چیزی که میزان است تقواست، نه رنگ است و نه نژاد است و نه کشور است و نه هیچ چیز دیگر. میزان در انسانیت معنویت انسان است» (همان، ج ۶: ۴۷۱). در کتاب شریف و وزین شرح چهل حدیث نیز می فرماید: «ای بیچاره، تو به واسطه یک محبت جزئی، یک شهرت بی فایده پیش بندگان، از آن کرامت ها گذشتی ... اعمالی را که باید به آنها دار کرامت تهیه کنی، زندگی ابدی و فرحناکی همیشگی فراهم کنی و به واسطه آنها در اعلی علین بهشت قرار گیری مبدل کردی به ظلمات شرک و نفاق و ... آیا تمام این بساط فقط برای همین حیات حیوانی و اداره کردن شهوت است که با تمام حیوانات شریک هستیم، یا مقصود دیگری در کار است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۲۸). در نگاه امام (ره) پذیرش و تأکید بر کرامت ارزشی و اکتسابی از آن رو مهم و لازم الوجود است که یکسان پنداشتن در کرامت مداری میان انسان ها جنایت و جفا به انسانیت است، هیچ عقل و خرد بی پیرایه ای نمی پذیرد که شخصیت های عظیم الشأن و ملکوتی چون رسول اعظم اسلام (ص)، امیرمؤمنان، فاطمه زهرا، حسنین و ائمه هدی و انبیا (ع) در برخورداری از کرامت و شرافت همسان دون مایگانی همچون فرعون، ابوجهل، معاویه، یزید و امثال آنان باشند.

امام خمینی(ره) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش آورده است: اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است. در کتاب شریف شرح چهل حدیث نیز در این باره فرموده است: به تعلیمات غیبیه و وحی و الهام به توسط ملائکه و انبیا - و آن باب عبادت و معرفت است - طرق عبادت خود را بر بندگان آموخت و راهی از معارف بر آن‌ها گشود تا رفع نقصان خویش حتی‌الامکان بنمایند و تحصیل کمال ممکن بکنند و از پرتو نور بندگی هدایت شوند به عالم کرامت حقو به روح و ریحان و جنت نعیم بلکه به رضوان‌الله اکبر رسند. در کتاب وزین مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية نیز می‌فرماید: وکلّ فضیلة وکمال و شرف فی المملکة الإنسانیة ثابتة للمرتبة الروحية؛ در سرزمین انسانیت تمامی فضیلت و کمال و شرافت مربوط به جنبه روحانی انسان است (به نقل از شریعتمدار، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۵) این سه مصداق از بیانات امام تأکیدی بر اهمیت کرامت‌ارزشی در نگاه امام(ره) دارد. که بشریت بایست در ارتقاء آن بکوشد.

حضرت امام خمینی(ره) با توجه به درکی عمیق که از واقعیت‌های موجود دارد. در نقد نگاه غربی به انسان که در نظریه انسان‌گرایانه آن را توضیح دادیم می‌فرمود: «آن‌ها [غربی‌ها] ارزش را در این مسائل که انبیا می‌گفتند، در این مسائل نمی‌دانند، آنها ارزش انسان را به ایمان نمی‌دانند، آن‌ها ارزش انسان را به شقاوت، خونریزی و بدتر از او می‌دانند، وقتی ارزش را این‌ها، آن ندانستند و از اول، نفس خبیثشان منحرف است در اخلاق و در همه چیز، دیگر توقع نداشته باشید که آنها به قواعد بین‌المللی عمل کنند...، ارزش‌ها پیش آنها ارزش انسانی نیست. و همه مسائل همین طور است منتهی من بعضی‌هایش را عرض کردم... راه انبیا ارزش‌ها را طور دیگری می‌داند، انسان را صاحب ارزش می‌داند و ارزشش را به حیوان نمی‌داند، به جماد نمی‌داند، به دارایی نمی‌داند، به آن چیزهایی که در باطن خودشان هست می‌داند، به علم می‌داند، به تقوا می‌داند، به مکارم اخلاق می‌داند، و این قشر از جمعیت بشر تمام ارزش‌ها را به غیر آن چیزی که انبیا می‌داند، می‌دانند... آن‌ها هم که حقوق بشر را طرح می‌کنند، آنها هم همین است، آنها هم غیر از همین طبیعت و غیر از همین مادیت ادراک ندارند. نمی‌توانند بفهمند. معنویات را اصلاً نمی‌توانند بفهمند. البته آنهایی که معنویات دارند در نظر آنها محکومند.» (امام خمینی(ره)، ج ۷: ۳۶۱).

چنان‌که بیان شد در نگاه امام(ره)، آراسته شدن آدمی به خلعت زیبای کرامت ناشی از درآمیختگی جسم و پیکره انسان با روح الهی است که پروردگار هستی‌آفرین با قدرت لایزال و حکمت بی‌کرانه‌ی خویش اراده نموده و محقق ساخته و همین امر شایستگی خلافت و جانشینی حضرتش را موجب گشته است. تاج عزت و کرامت تا آن زمان زیبنده و شایسته آدمی است که نشانی از عطاکننده‌ی آن را دارا باشد و به تعبیری در وجود و صدف و گوهر گرانبه‌ای آدمیت و انسانیت را در وجود خویش محفوظ دارد، بنابراین دوام و بقای کرامت ذاتی انسان تابع و بسته به بقای حقیقت و واقعیت انسان است و اگر این حالت و حقیقت دچار آسیب گشته و دستخوش تحول و تبدل گردد کرامت وی نیز دچار آسیب و تغییر و تحول

شده و چه بسا رو به زوال و فنا و نابودی نهد، زیرا بقای هر امری به بقای موضوع آن بستگی دارد و آن‌گاه که انسانیت انسان رخ بر بسته و به حیوانیت و سبیت مبدل شود کرامت نیز از میان آدمی خواهد گریخت چه این که در آیه «أَوَلَيْكَ كَالُنَّاعِمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» صورت حیوان و بلکه پست‌تر از حیوان خواهد بود؛ و اتفاقاً همان طور که بعداً توضیح بیشتری خواهیم داد، یکی از وجوه جدایی دیدگاه اسلام و غرب را که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مجتمع گشته است می‌توان در همین زمینه جست‌وجو کرد، چرا که آنان تنها ظاهر آدمی را می‌نگرند. پس همیشه موضوع کرامت را متحقق و موجود می‌یابند. ولی چشم بصیر و حقیقت‌بین دین به واقعیت و حقیقت آدمی نظر می‌افکند و در برخی موارد آن را زوال یافته می‌بیند و تحقق حکم بی‌وجود موضوع امکان پیدایش نخواهد داشت. به تعبیر امام خمینی (ره): انسان اگر خلق و باطن و ملکه و سریره‌اش انسانی باشد، صورت ملکوتی او نیز صورت انسانی است ولی اگر ملکاتش غیر ملکات انسانی باشد، صورتش انسانی نیست و تابع آن سریره و ملکه است؛ مثلاً اگر ملکه شهوت و بهیمیت بر باطن او غلبه کند و حکم مملکت باطن حکم بهیمه شود، انسان صورت ملکوتیش صورت یکی از بهائم است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۱۲).

نمونه‌ای دیگر از دیدگاه امام خمینی (ره) که در قالب نظریه اقتضاء قرار می‌گیرد را می‌توان در بیانیه هشت ماده‌ای امام (ره) مشاهده نمود. امام خمینی (ره) با تأکید بر هر دو جنبه کرامت هم به ارزش و هم به حیثیت ذاتی افراد توجه داشته است و اصول مهم و اساسی همچون حفظ منزلت و کرامت انسان را در حوزه‌های احساس امنیت، اجرای عدالت، ممنوعیت اعمال غیرانسانی، جلوگیری از خودسری‌ها، عدم تجسس در حوزه فردی افراد، چشم‌پوشی از خطاهای شخصی و خصوصی که آثار حقوقی ندارند، آرامش و امنیت قضایی، ممنوعیت از اهانت به انسان و... نکات دیگری را که بر پایه کرامت و منزلت انسان استوار است استخراج نمود و همچنین با توجه به کرامت ارزشی انسان حفظ نظام حکومت دینی، جلوگیری از افشاء فحشا، اجرای صحیح و دقیق قانون و... به‌دست آورد. این پیام در بردارنده چند نکته کلی و اساسی در راستای رعایت کرامت ذاتی و تحقق کرامت ارزشی و ضایع نگشتن حقوق انسان است مفاد فرمان هشت ماده‌ای عمده‌تاً درباره حقوق مردم و حفظ شخصیت و کرامت انسان است که برگرفته از شرع مقدس و دین مبین اسلام است.

بنابراین، دفاع همه جانبه امام (ره) از لایحه قصاص با هجمه شدید داخلی و خارجی و دفاع همه جانبه از حکومت دینی و اصل ولایت مطلقه فقیه و کارآمد دانستن فقه در اداره حکومت و توجه دادن مسئولان و مردم به اخلاق و رعایت حقوق ملت و از سوی دیگر حکم به طهارت کتابی، ورود نمایندگان مذاهب به مجلس شورای اسلامی، رعایت حقوق زنان، بیانیه هشت ماده‌ای در دفاع از حقوق و کرامت ملت و حتی مجرمان و محکومان و سیره و سنت پسندیده امام در برخورد با انسان‌ها و حتی لامذهب‌ها و مذاهب دیگر- مانند برخورد امام با همسایگان در دوران تبعید به فرانسه- و صدها نمونه دیگر نشان جمع سالم امام میان کرامت ذاتی انسان و حرمت اولیه او با کرامت ارزشی و اکتسابی انسان در حکومت دینی و رفتار حاکمان و به تعبیر بهتر همان «نظریه اقتضاء» است.

نتیجه گیری

انسان به عنوان اشرف مخلوقات از یک سری حقوق و تکالیف برخوردار است. در اندیشه سیاسی شیعه کرامت انسانی از جمله مقوله‌هایی است که جمع میان حق و تکلیف است یعنی برخلاف اندیشه غربی کرامت را فقط یک حق نمی‌داند. بلکه حقی است که تکلیفی با خود به همراه دارد. این تفکر باعث می‌شود دیدگاهی خاص نسبت به کرامت انسانی شکل بگیرد. کرامت که به معنای شأن، مقام و مرتبه و احترام می‌باشد. طبق نظر اکثر اندیشمندان به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. این دو نوع کرامت در برخی موارد اصطکاک‌هایی با همدیگر پیدا می‌کنند. لذا باید یکی از این دو نوع را به عنوان اصل و پایه پذیریم. اندیشمندان در تعامل میان این دو نوع کرامت نظریه‌هایی داده‌اند. اندیشه غربی که اصل و پایه را کرامت ذاتی می‌داند که به هیچ عنوان از انسان قابل سلب نیست و کرامت ارزشی را امری اخروی می‌داند. تجددگرایان اسلامی مانند مجتهد شبستری و محسن کدیور ضمن اصل دانستن کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی را این دنیایی می‌دانند که منجر به امتیازهایی برای افرادی که آن را کسب کرده‌اند می‌شود اما اگر افراد آن را نقض کردند کرامت ذاتی از آن‌ها سلب نمی‌شود. نوگرایان اسلامی به خصوص امام خمینی(ره) «نظریه اقتضاء» را مطرح می‌کنند که اصل و مینا را کرامت ارزشی می‌دانند و کرامت ذاتی مقوله‌ای است که با کرامت ارزشی فعلیت می‌یابد. امام خمینی(ره) بیان می‌کند با توجه به این که انسان خلیفه خداست، از قوه عقل و اختیار برخوردار است می‌تواند شأن، مقام و منزلت خود را ارتقا ببخشد و یا آن را از خود سلب کند. احکامی چون قصاص، ارتداد، سنگسار برای انسان‌هایی است که کرامت خودشان را پایین آورده‌اند. امام خمینی(ره) البته یک تبصره ای بر نظریه اقتضاء می‌زند و می‌گوید قوانینی که در اسلام برای مجازات انسان‌هایی که کرامت خود را نقض کرده‌اند آمده است نه برای سلب کرامت ذاتی از آنها بلکه برای زدودن فطرت پاک انسان از زنگارها و آلودگی‌های دنیایی است. بر این اساس در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) انسان از کرامت و فطرت پاک برخوردار است اما در طول زندگی در حال حرکت به سوی عالم معنا و یا عالم ماده است. که اگر بر طبق آیه ۱۳ حجرات با تقوای خود به سوی عالم معنا حرکت کرد از شأن و کرامت برخوردار است اما اگر به سمت عالم ماده و حیوانیت حرکت کرد باید آن را مجازات کرد. و وظیفه جامعه اسلامی هموار کردن مسیر افراد برای رسیدن به عالم معنا است. این تحقیق از آن رو که نتوانست به تحلیل و نقد دو نظریه اول بپردازد. به خوانندگان این نوشته پیشنهاد می‌شود که دو نظریه «انسان گرایانه» و «افزوده» را در مورد کرامت انسانی تحلیلی موشکافانه کنند.

منابع

-قرآن کریم

-آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۴)، *غررالحکم و درر الکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران: نشر دارالکتاب، قم.
-ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، *سیره النبی*، ج ۲، ترجمه رفیع الدین همدانی: بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

- یازی، سیدعلی نقی (۱۳۷۹)، نسبت دین و جامعه، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ دوم، تهران.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، فلسفه حقوق بشر، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، قم: انتشارات اسراء.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله، الف (۱۳۷۸)، آداب الصلوة، سیداحمد قهری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۸)، شرح دعای سحر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله، ب (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۴)، جهاد/کبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله (بی تا)، کشف الاسرار، تهران، انتشارات فلق.
- دشتی، محمد (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمدکاظم آشتیانی، قم: نشر امام علی (ع).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغتنامه، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجیبی، محمود (۱۳۸۰)، انسان شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۵)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، تهران: کانون انتشارات محمدی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (بی تا)، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی، الف (۱۳۸۰)، معارف قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی، ب (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- باقری، ابراهیم (۱۳۸۸)، کرامت انسانی در اسناد حقوقی اسلام، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی در
- <http://www.ensani.ir/fa/content/۶۷۰۱۴/default.aspx>
- تقوی، محمدکاظم (۱۳۸۹)، فطرت و کرامت انسانی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی در
- <http://www.ensani.ir/fa/content/66885/default.aspx>
- محمدرضایی، محمد (۱۳۸۹)، کرامت انسانی از دیدگاه امام خمینی (ره) و ایمانوئل کانت، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی در
- <http://www.ensani.ir/fa/content/۶۷۱۸۸/default.aspx>
- سخنان آیت الله جوادی آملی است، در همایش بین المللی امام خمینی (ره) و قلمرو دین در سایت
- <http://www.ketabnews.com/detail/۱۶۵۷-fa-۱۶۷.html>

- شریعتمدار، سید محمدرضا (۱۳۸۹)، ملاک و معیار کرامت انسان از دیدگاه امام(ره)، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی در <http://w.ensani.ir/fa/content/67048/default.aspx>
- Henry Campbell, Black's law Dictionary, 6th. U.S.A. West Publisher, 1991.
- Joyce M. Hawkins, The Oxford Encyclopedic English Dictionary, Published October 3rd 199۶ by Oxford University Press, USA.